

شکاف بین علاقه‌مندان به آقای احمدی‌نژاد و اصل انقلاب، چه اندازه با واقعیت مطابقت دارد؟

شماره پرسش: ۱۹۲۴۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۲/۵ ۲۱:۴۹:۴۱

متن پرسش

خدمت استاد عزیز و گرانقدرم سلام علیکم: بنده از شاگردان کوچک شما در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودم که بحمدالله حظ وافی از محضرتان در درس معارف کسب نموده و همواره مباحث دینی شما را دنبال نموده و جواب سوالات ذهنم را در سخن و آثار شما یافته ام اما هیچگاه اینگونه ناراضی و در حیرت از پاسخ شما بزرگوار در بزرگترین چالش این انقلاب نبودم!!! بر اساس سوالات قبلی دوستان که مورد سوال و تایید این حقیر نیز می باشد اگر می بینید امروز به شما بزرگوار روی آوردم و توضیح می خواهم به خاطر این است که علی رغم تمام احترام و ارزشی که برای هویت شورای نگهبان که امید مستضعفین و اکثریت محرومین و سکاندار ۸ سال خدمت انقلابی و بی منت را که مورد تایید رهبر عزیزمان بوده را رد صلاحیت کرده قائلم اما هرچه سعی میکنم دلیلی متقن برای تسلی فکر و روح آزرده خود و خانواده ام بیابم عاجزم و دردمندتر اینکه شما هم اینگونه جواب پرسش ها ذهن ما را می دهید طوری که جسارتاً شک می کنم شاید به جای استاد طاهرزاده عزیز و تیز بین فرد دیگری پاسخگوی سوالات در خصوص بحث آقای احمدی نژاد می باشد؟ جناب استاد می خواهم برای من تبیین کنید بر اساس کدام برهان شما رفتارهای انتخاباتی آقای احمدی نژاد را نشات گرفته از مشاورانی که حکیم نیستند می دانید! مشاوران آقای احمدی نژاد تا آنجایی که ما می بینیم و شاهد هستیم جوانان انقلابی از خودگذشته فداکار و با بینش های عمیق سیاسی که شاید کمتر نمونه ای در محافل دیگر داشته باشند و البته صبور و بزرگوار از ظلمی که از جانب دوست و دشمن در این مدت بر آنها شد و دم نزدند و نمونه اخیر آن هم در رد صلاحیت احمدی نژاد جز حکمت از آنها چیزی ندیدیم هستند که همواره بر خواسته های انقلابی خود از احمدی نژاد پافشاری می کنند! بنده متوجه عملکرد اخیر آقای احمدی نژاد که شما می فرمایید مورد انتقاداتان هست نیستم همان طور که هرگز متوجه انحراف و بی ولایتی ایشان نشدم البته قصد دفاع ندارم که در مقام سوال هستم اما تا آنجایی که این جماعت مقابل ایشان از تمامی تکنیک های علوم مدیریتی و استراتژیک برای تخریب ایشان استفاده نمودند شاید هر کسی جای او بود چنین حرکاتی (تکنیکهای) را انجام می داد. به نظرم توضیحی که آقای احمدی نژاد در خصوص اعلام کاندیداتوری خودش علی رغم توصیه حضرت آقا مبنی بر عدم کاندیداتوری داد قانع کننده بود و مخصوصا در شرایطی که تمام رسانه های اصول گرا ایشان را بایکوت خبری کرده بودند نباید انتظار داشت توضیحاتشان به گوش همه مومنین رسیده باشد! و نکته دیگر اینکه تمامی اشراف متحد و یک صدا دادشان هوا رفت و دلسوز انقلاب و نظام و رهبری شدند و هرچه توهین و ناسزا و بی اخلاقی بود در سطح کشور در بوق و کرنا نثار ایشان کردند. استاد عزیز،

جناب آقای کد خدایی سخنگوی محترم شورای نگهبان اعلام نمودند نقل به مضمون که ما وقتی صلاحیت کسی را تایید می کنیم نظارت ما قبل از اعلام تایید صلاحیت است و دیگر نظارتی بر عملکرد ایشان در زمان تصدی نداریم و تا آنجایی که عقل و قانون حکم می کند به نظرم بر این اساس احراز شرایط بر اساس مستندات موجود گذشته و حال افراد است نه اینکه رفتارهای احتمالی آن فرد در آینده که در بدبینانه ترین حالت که تصور کنیم خدای ناکرده احمدی نژاد نظام و رهبری را به کسی بفروشد قانون برای آن راهکار دارد و همچنین در صورت صدق فرض دوم رفتار آقای روحانی در برجام دو و سه نیز باید پایش و پیش بینی می شد!! کما اینکه خیلی از رفتارهای قبلش هم برای ما جای سوال دارد که چگونه از این فیلتر رد می شود اما صلاحیت احمدی نژاد که به گفته خودشان به خاطر عدم تمکین به توصیه رهبری نبوده رد نمی شود؟ و این مطالبه پاسخگویی را اگر شما نخبگان طلب نکنید سر خوردگی ما مردم انقلابی از این بیشتر می شود. سوال دیگرم در خصوص اینکه می فرمایید احمدی نژاد با ظلمی که کرد کمر ما و رهبری را شکست بر اساس کدام سخنان حضرت آقا میرفرمایید؟ از حاشیه ها گفته اید حاشیه ها را احمدی نژاد ایجاد کرد یا دشمنان احمدی نژاد؟ فرمودین همه طلبه ها را رها کرد و مشایی را قذیس! تا آنجایی که به سبب موقعیت شغلی اطلاع دارم دولت نهم بیمه طلاب را راه اندازی کرد و به جد پیگیر و عامل شد و دیگر اینکه افرادی را می بینم در تشکیلات ایشان که طلبه هستند شاید تعریف شما از طلبه چیزی است که من نمی دانم چون من علوم تجربی خواندم و مشایی نیز معاون اول ایشان بود و مقایسه این دو در ذهنم قیاس مع الفارغ را تداعی می کند! و امروز استاد عزیز شاگرد کوچک شما آنچه که میربیند تکرار تاریخی است که حاصل تدبیر فرماندهان سپاه مختار تدبیری برخواسته از یک سوءظن، کیان مختار را به مسلخ فرستادند، کیان با تمکین به این مصلحت اندیشی به مسلخ شهادت رفت ... و دشمن خندید! خداوند به فرزندان ما برای درک عمیق انقلاب با وجود این مسائل پیش آمده به برکت حضرت زهرا (س) کمک کند. ان شاء الله. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- ضمن تشکر از تذکرات مشفقانه تان به اینجانب. عنایت بفرمایید که بحث در تعهد و ولایی بودن آقای احمدی نژاد نیست که بنده قبلاً هم طی جوابی در این مورد عرایضی داشته ام؛ آنچه بنده وظیفه‌ی خود می‌دانم، تذکر به عزیزانی است که در نسبت با آقای احمدی نژاد و تعلق او به انقلاب و شعارهای انقلاب، سایر عوامل حفظ نظام اسلامی و سایر ابعاد حضور تاریخی انقلاب اسلامی را از نظر دور ندارند و سعی بنده آن است که شکاف پیش آمده بین رفقای علاقه‌مند به آقای احمدی نژاد و انقلاب، به درستی ترمیم شود و از این جهت ضعف‌هایی را متذکر شدم که توسط آقای احمدی نژاد پیش آمد و البته سعی شد سرپسته آن نکات عرض شود وگرنه فعالیت‌هایی مثل آنچه در رابطه با بیمه‌ی طلاب متذکر شدید را، نه بنده بلکه بسیاری ابداً منکر نیستند که خدمت

ارزشمندی به حوزه‌های علمیه شد.

فکر نمی‌کنم نیاز باشد دوباره ماجراهای تلخ گذشته یادآوری شود. اجمالی‌ترین سخن این بود که عرض شد: «ایشان مشاوران بدی دارند» تا رفقا فکر نکنند بعضی از حرکات ایشان را نیز باید حمل بر صحت و یا توجیه کرد. خانه‌نشینی و یا مطرح کردن آن ویدئو در روز آن یکشنبه‌ی سیاه را که آقای حجت‌الاسلام سالک به عنوان یکی از دلسوزان ایشان التماس می‌کنند آن را پخش نکند؛ ولی او نه توصیه‌ی آقای سالک را پذیرفتند و نه توصیه‌ی آقای حسینیان را که مکرر چوب طرفداری از آقای احمدی‌نژاد را خورده بود.

قصد بنده آن نیست که ضعف‌های آقای احمدی‌نژاد را با همدیگر در میان گذاریم، بلکه بناست عرایض بنده تذکری باشد برای رفقای تا آقای احمدی‌نژاد را مبری از ضعف‌هایی که می‌توانست نداشته باشد، ندانند. آیا این که ایشان بدونه ملاحظات تذکر رهبری به‌خصوص در دولت دهم جبهه‌ای از معدود دوستان خود در مقابل همه‌ی جریان اصول‌گرایی ولایی قرار دادند، با تاریخی که ما در آن به سر می‌بریم مطابقت داشت؟! آیا ایشان متوجه بودند ما در چه شرایطی از نظر تاریخی هستیم؟! نمی‌دانم چه اندازه در جریان عزل جناب آقای حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای هستید؟ آقای احمدی‌نژاد را در دولت دهم چه شده بود که همه‌ی نیروهای انقلاب از چشم ایشان افتاد، به‌جز چند نفر محدود؟! آیا در جریان گله‌ی رفقای هستند که هر وقت به سراغ ایشان می‌رفتند آن‌ها را حواله به مهندس یعنی آقای مشائی می‌دادند؟ در صورتی که آن‌ها برای دفاع از آقای احمدی‌نژاد زحماتی را تحمل کرده بودند.

عرض بنده در جواب سؤال شماره‌ی ۱۹۲۱۶ آن بود که: «تکلیف ما با آقای احمدی‌نژاد به‌خصوص با حرکات اخیر ایشان مشخص شده، ولی تکلیف ما با خودمان و انقلاب اسلامی از این به بعد با تجربه از گذشته بهتر روشن می‌شود. امید است رفقا بتوانند به راحتی از آقای احمدی‌نژاد عبور کنند ولی از آن‌چه موجب رجوع به شعارهای ایشان شد، عبور نکنند. مطمئن باشید انقلاب، در جایگاهی قرار دارد که هرگز ظرفیت تاریخی این دوران، ذهن‌ها و قلب‌ها را به‌جای دیگری جز اهداف انقلاب اسلامی جذب نمی‌کند، می‌ماند که با خون جگر خوردن بیشتر آن پختگی لازم برای نیروهای انقلاب پیش خواهد آمد.»

به هر حال در جایگاه سختی قرار داریم. باید از خود پرسید آیا این شکافی که بین رفقای علاقه‌مند به آقای احمدی‌نژاد و اصل انقلاب به‌وجود آمده است، چه اندازه منطقی است و با واقعیت صحنه مطابقت دارد؟ آیا در آن حدّ که یکی از رفقا از فرط ناراحتی برای بنده نوشته است: «یک قبر برای خودم و یک قبر هم برای انقلاب کنده‌ام». تا این حدّ همه‌چیز را از دست‌رفته می‌پندارد. در حالی که ابداً چنین نیست. همان‌طور که جناب‌عالی با آن احساسات پاک‌تان، سرنوشت کیان را در نسبت با مختار برای آقای احمدی‌نژاد مثال زده‌اید. آیا واقعاً همین‌طور است؟! موفق باشید

